

## جمع بین آیه ترس حضرت محمد از مردم و آیه

### نترسیدن پیامبران پیشین

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

**سوال<sup>۱</sup>:** هنگام مطالعه تفسیر این آیه: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (الأحزاب: ۳۹)، ملاحظه کردم که مفسرین از این آیه استفاده می کنند که پیامبران نمی توانند از کسی جز خدا بترسند. بنابراین نسبت به آیه پیشین: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (الأحزاب: ۳۷)، نمی توان گفت مقصود این است که حضرت محمد در قضیه زید از مردم ترس داشته است. سوال این جاست: آیا آیه ۳۹ بر عدم ترس انبیاء از مردم به صورت یک قاعده ی عام و شامل دلالت دارد یا خیر؟ آیا آیه ۳۷ بر ترس پیامبر از مردم در خصوص موضوع زید دلالت دارد؟ آن چه به ذهن من می رسد این است که آیه (الذین یبلغون رسالات الله ...) بر معنای مذکور - یعنی پیامبران جز از خدا نمی ترسند - دلالت ندارد بلکه می خواهد بگوید: گروهی از مردم هستند که دارای سه ویژگی هستند این که رسالات خداوند را تبلیغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا ترسی ندارند. این آیه پیامبر اکرم را تشویق می کند تا از جمله این افراد باشد. بر اساس اصطلاحات اهل منطق، این گروه به نحو قضیه حقیقه ذکر شده اند نه قضیه خارجی. همچنان که به نظرم آیه ۳۷ نسب به ترس پیامبر از مردم در قضیه زید واضح و آشکار است. امیدوارم لطف کنید و تا حد امکان این موضوع را توضیح دهید با تقدیم شکر و احترام.

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۰۶.

**پاسخ:** فهم این آیه ی قرآنی و قراردادن آن در سیاق دو آیه ی پیشین، به تبع مصادرات قبلی که مفسر دارد و همینطور جهت بحثی که بر اساس آن موضوع را بررسی می کند، مختلف خواهد بود. در این جا به طور خلاصه می توان چند نکته را مطرح کرد:

۱- اگر تنها این آیات قرآنی را مد نظر قرار دهیم - به صرف نظر از شواهد خارجی از عقل یا نصوص سنت شریف یا ... - این آیات کریمه بر این نکته دلالت دارند که مبلغین پیشین رسالات جز از خداوند متعال نمی ترسیدند و بنابراین آیه ی ۳۹ به خودی خود تعریضی به پیامبر اکرم است گویی این آیه می خواهد به او بگوید: این کسانی که تو بر مسیر آن ها پای گذاشته اید جز از خداوند متعال نمی ترسیدند پس چرا تو از مردم می ترسی در حالی که خداوند بیشتر شایسته ی ترس است؟ در نتیجه این آیه عتاب الهی که در آیه ی ۳۷ نسبت به پیامبر آمده را تاکید می کند. در نتیجه پیامبران پیش از رسول خدا به این ویژگی ممتاز بوده اند که آن ها جز از خداوند سبحان فقط نمی ترسیدند در حالی که پیامبر اکرم در قضیه ی همسر فرزندخوانده ی خود در این ترس افتاد.

بلکه ممکن است شخصی بگوید - هماهنگ با این برداشت - آیه ی ۳۹ نمی گوید که تمام پیامبران این چنین بوده اند آیه ی ۳۸ که می گوید: ﴿مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا﴾، بر این نکته دلالت دارد که آن چه که یا رسول خدا ص رخ داده است سنتی الهی در پیشیان است سپس آیه ی ۳۹ می آید تا توضیح دهد این پیشینان چه کسانی هستند بنابراین قیدی احترازی خواهد بود نه قید توضیحی که بیان کند آن ها گروهی بوده اند که این صفات را داشته اند. بنابراین این آیه به این مدقار بر این نکته دلالت ندارد که مراد از آن تمام انبیاء و اوصیاء است چه بسا این افرادی که به این صفات متصف بوده اند برخی از انبیاء بوده اند یا مجموعه از پیامبران و غیر پیامبران بوده اند. با این بیان این اشکال فرضی نیز برطرف خواهد شد که اگر آیه ی ۳۹ درست باشد با آیه ی که از ترس موسی علیه السلام از کشته شدن توسط فرعون و قوم او در فرض بازگشت سخن می گوید. بنابراین این آیه چگونه می گوید پیشینان بر رسول اکرم از هیچ کس جز خدا نمی ترسیدند؟ مگر آن که بین خوف و خشیت تفاوت بگذاریم.

برخی از مفسرین آیه ی ۳۹ را به حالت تبلیغ محصور دانسته اند به این معنای که پیامبران در تبلیغ رسالاتی که به آن فرستاده شده اند جز از خدا نمی ترسند در نتیجه از ترس آن ها در غیر مجال تبلیغ دین ساکت است در نتیجه التباسی که بین آیه ی ۳۷ و ۳۹ به نظر می رسد مرتفع خواهد شد چون ترس پیامبر در آیه ی ۳۷ به خاطر یک موضوع شخصی بوده است به این که مورد اتهام قرار گیرد یا امر ناپسندی نسبت به او گفته شود نه این که از تبلیغ حکم از احکام ترس داشته باشد.

این کلام ممکن مورد مناقشه قرار گیرد که احتمال چندان قوی نیست با توجه به اطلاق عدم خشیت که در این آیه ۳۹ آمده است و صرف ذکر تبلیغ قبل از آن در زبان عرب بیانگر تخصیص نیست.

در پاسخ می توان گفت که سیاق این آیات، سیاق ابلاغ حکم ازدواج از طریق فعل نبوی است و در نتیجه این احتمال وجود دارد که جمله ی (یبلغون رسالات الله) قرینه ی متصلی است که مراد از خشیت را منحصر در دایره ی تبلیغ قرار می دهد. بنابراین نمی توان به اطلاق موجود در این آیه که بعد از این آمده، تمسک جست چون از مصادیق شک در قرینیت موجود است علمای اصول فقه - به درستی - این امر را سبب اخذ به قدر متیقن دانسته اند.

این جواب ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد به این که اگر این کلام درست باشد مشکل حل نمی شود. مفروض آن است که این آیه در سیاق حدیث از موضوع ازدواج پیامبر آمده است بنابراین اگر موضوع تبلیغ هیچ نقشی در این موضوع نداشته باشد در این صورت سخن گفتن از تبلیغ در این آیه معنی نداشت. با توجه به این نکته که آیه ۳۷ خود در پایان به این نکته اشاره می کند که غرض الهی از ازدواج پیامبر غرضی بیانی تشریحی و تبلیغی است. این که مومنین بدانند که نسبت به ازدواج با همسران فرزندخوانده های آن ها اشکال و حرجی ندارد بنابراین آیه ۳۷ در سیاق عتاب پیامبر اکرم در قضیه ای که به تبلیغ دین بازمی گردد آمده است. مگر این که گفته شود جهت تبلیغ تنها از جانب خداوند متعال بوده است و ممکن است که پیامبر به حیثیت طلب ازدواج با زینب بنت جحش از سوی خداوند

آگاه نبوده است بنابراین هیچ تلازمی بین اراده ی الهی برای تبلیغ از طریق فعل نبوی و التفات شخص پیامبر به جهت تبلیغ در این فعل وجود ندارد.

اما این احتمال که آیه ی شریفه ۳۹ به صورت قضیه حقیقه آمده است هرچند احتمالی است که به خودی خود ممکن است اما از لحاظ لغوی نیازمند تأویل و تقدیر است. آری، اگر آیه این چنین بود: الذین یبلغون رسالات الله یخشونه .. ولیس (ویخشونه)، در این صورت احتمال قضیه ی حقیقه امکان بیشتری داشت.

۲- این همه بر فرض کنار گذاشتن ادله ی دیگر است. اما اگر مفسر ادله ی عقلی و نقلی بر عصمت مطلق پیامبران را در نظر داشته باشد و این ادله را بپذیرد به مرحله ی تأویل و سازگارسازی می رسیم. علما تلاش های بسیاری برای تأویل آیه ۳۷ انجام داده اند که بگویند خداوند متعال در مقام مذمت رسول اکرم ص نبوده است. می توان این تخریجات را در محل خود مورد مراجعه قرار داد بحثی که فعلا به دنبال رصد و ارزیابی آن نیستیم.

از جمله این تاویلات، تاویلی است که در سوال خود بیان کردید به این گونه که آیه ی ۳۹ به جای آن که تعریض به پیامبر اکرم باشد در نگاه آن ها شاهی بر عدم بازخواست اوست. با توجه به یک پیش فرضی که در نزد آن ها ثابت شده است که رسول اکرم را افضل تمام پیامبران در تمام ویژگی ها می داند بنابراین اگر آنها از هیچ کس جز خدا نمی ترسیدند ضرورتا پیامبر اکرم ص نیز این چنین بوده است. در نتیجه خشیتی که در آیه ۳۷ آمده است خشیت بر دین است نه خشیت از مردم به خاطر یک مسئله شخصی.